

Iranian Legislative Criminal Policy on Biotechnological Offences*Reza Vatankhah¹, Ali Najafi Tavana², Mahmood Abbasi³***Abstract**

Biotechnology development in recent decades and its extensive serviceability in various arenas of health, agriculture, animal husbandry, environment, industry, mining, military, etc. has interested scientists and governmentals to this important subject. This technology has also some benefits and abilities that inappropriate using can cause dangerous damages for beings and hazard human health. In the legal system of Iran, laws related to biotechnology include laws such as the biosafety Code, the law on the Registration of Plant Varieties, and the Certificate on Seed and Plant Seedings that in the each of this Acts and for protection of citizenry from detriment damages and probability hazards due biotechnology and for prevention of disorder in public regularity of society, several subjects as to it has sat bundel criminal protection and lawmaker has criminate and punishable delinquent of such crimes. Iranian biosafety Act (2009) don't describe exactly legal aspects of biotechnology and about criminal protection merely exist a number of acts and some omissions hat mention under section 6 this Act. Entirely to pay attention this Act to find a number of crimes that writers of this scholarship with description of crimes and punishments foresaid in inactment Act that discuss Iranian legislative criminal policy about subject and mention difficulties and criticisms and introduce necessary suggestions.

Keywords

Legislative Criminal Policy, Biotechnological Crimes, Iranian Biosafety Act, Criminal Sanction, Fine

1. PhD Candidate in Criminal Law, Faculty of Law, Islamic Azad University Tehran Central Branch, Tehran, Iran.

2. PhD, Faculty of Law, Islamic Azad University Tehran Central Branch, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: Najafi.Tavana@gmail.com

3. Associate Professor, Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences and Health Services, Tehran, Iran.

Original Article Received: 16 February 2017 Accepted: 22 November 2017

Please cite this article as: Vatankhah R, Najafi Tavana A, Abbasi M. Iranian Legislative Criminal Policy on Biotechnological Offences. Iran J Med Law 2018; 11(43): 23-46.

سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرائم زیست‌فناورانه

رضا وطن‌خواه^۱

علی نجفی توانا^۲

محمود عباسی^۳

چکیده

توسعه زیست‌فناوری (بیوتکنولوژی) در دهه‌های اخیر و قابلیت‌های گسترده آن در عرصه‌های مختلف بهداشت و درمان، علوم کشاورزی، دامپروری، محیط زیست، صنعت و معدن، نظامی و... توجه دانشمندان و دولتمردان کشورهای مختلف را به این موضوع مهم جلب نموده است. این فناوری با وجود فوایدی که از آن برخوردار است، در صورت استفاده نا به جا می‌تواند موجب ایجاد آسیب‌های خطرناکی در موجودات زنده شده و سلامت انسانی را مورد مخاطره قرار دهد و همین امر، لزوم حمایت کیفری از این پدیده نوظهور را مضاعف نموده است. در نظام حقوقی ایران از قوانین مرتبط با حوزه زیست‌فناوری می‌توان قوانینی مثل قانون ایمنی زیستی، قانون ثبت ارقام گیاهی و گواهی و کنترل بذر و نهال را نام برد که در هر یک از این قوانین و در راستای حفظ شهروندان از گزند آسیب‌ها و مخاطرات احتمالی ناشی از زیست‌فناوری، برخی از حوزه‌های آن مورد حمایت کیفری قرار گرفته و قانونگذار، مرتکبین این گونه جرائم را قابل تعقیب کیفری و مجازات دانسته است. در قانون ایمنی زیستی مصوب ۱۳۸۸ که سیاست جنایی مستتر در این قانون در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، جنبه‌های حقوقی زیست‌فناوری به خوبی تبیین نگردیده و از نظر حمایت کیفری هم قانونگذار صرفاً در ماده ۶ این قانون به صورت کلی و با یک حکم واحد، اقدام به جرم‌انگاری برخی از افعال یا ترک افعال مقرر در سایر

۱. دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲. عضو هیأت علمی دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)
Email: Najafi.Tavana@gmail.com

۳. دانشیار، رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱

مواد این قانون نموده است. در حالت کلی با تدقیق در این قانون، چند عنوان مجرمانه احصا می‌گردد که نگارندگان این تحقیق، ضمن تبیین این جرائم و مجازات‌های مقرر در قانون مصوب، درصدد تشریح سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص موضوع مورد مطالعه و ترقیم ایرادات و اشکالات موجود و ارائه پیشنهادات لازم هستند.

واژگان کلیدی

سیاست جنایی تقنینی، جرائم زیست‌فناورانه، قانون ایمنی زیستی، ضمانت اجرای کیفری، جزای نقدی

مقدمه

اگرچه ظهور فناوری‌های نوین و به کارگیری روش‌های علمی جدید در بهره‌برداری از طبیعت، زندگی را از جهاتی بر بشر مطبوع ساخته است و گره‌های فراوانی را باز نموده است، ولی در برخی موارد منجر به بروز مشکلات جدیدی شده است و این مشکلات در عرصه سلامت، بهداشت و محیط زیست انسان‌ها و حتی در عرصه باورهای مذهبی، ارزش‌های اخلاقی و روابط حقوقی موجب بروز پرسش‌های فراوانی شده است و با توجه به این‌که وجود کالاهای خطرناک و غیر ایمن در بازار، رفاه و سلامت کلیه افراد جامعه را به خطر می‌اندازد، پس بایستی از تولید و عرضه آن‌ها جلوگیری نمود و با این تعبیر می‌توان ادعا نمود که حق ایمنی مصرف‌کنندگان در زمره حقوق بشر قرار گرفته است و خط مشی‌های سازمان ملل راجع به حمایت از مصرف‌کنندگان نیز که از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق مصرف‌کننده می‌باشد، تأکید ویژه‌ای بر این حق دارد (۱).

امروزه یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه زیست‌فناوری که تحول شگرفی را در کشاورزی و محیط زیست ایجاد کرده است، استفاده از محصولات تراریخته (ترانس ژنتیک) و حق ایمنی مصرف‌کنندگان در دسترسی به این‌گونه محصولات است و در حال حاضر در اتحادیه اروپا مقررات متعدد و پراهمیتی در مورد زیست‌فناوری وجود دارد و بی‌تردید دقیق‌ترین و به روزترین قوانین و مقررات در این حوزه، در اتحادیه اروپا تدوین گردیده است. اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۷ میلادی مقررات برجسب‌گذاری محصولات تراریخته را تصویب کرد و برجسب‌گذاری این‌گونه محصولات غذایی را اجباری اعلام کرد.

هرچند که فقدان برجسب‌های غذایی محصولات تراریخته، نادیده‌گرفتن حقوق مصرف‌کننده می‌باشد و قابل چشم‌پوشی نیست و در حال حاضر گروه‌هایی در سرتاسر جهان بر علامت‌گذاری اجباری غذاهای تراریخته و موجودات تراریخته پافشاری می‌کنند (۲)، ولی با وجود تمامی این بحث‌ها، برجسب‌گذاری به تنهایی روش مناسبی جهت حذف خطرات احتمالی برای سلامت انسان و محیط زیست نمی‌باشد، زیرا اطلاع‌رسانی به مصرف‌کننده، جانشین مناسبی برای ایجاد قوانین و محدودیت‌های قانونی و ضمانت اجرای کیفی در خصوص حفظ سلامت انسانی و محیط زیست نیست.

به طور کلی بحث تبادل فرآورده‌های حاصل از بیوتکنولوژی به ویژه محصولات کشاورزی تراریخته، در مجامع بین‌المللی توجه سیاستمداران و دانشمندان را به خود جلب کرده است و برآیند تعامل گروه‌های مخالف از یک طرف و محققین و دانشمندان بیوتکنولوژیست و زیست‌شناسان ایجاد قوانینی شده است که ضمن ایجاد امکان بهره‌برداری از فواید اثبات‌شده مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی، ریسک آثار سوء احتمالی مرتبط با این فناوری را کاهش دهد. امروزه این قوانین تحت عنوان قوانین ایمنی نامیده می‌شوند. این قوانین که از دهه ۱۹۸۰ در کشورهای پیشرفته تدوین و به مرحله اجرا درآمده است، به تدریج در برخی از کشورهای جهان سوم مانند هندوستان، فیلیپین و مصر نیز تهیه و تدوین گردیده است. از جمله تلاش‌های بین‌المللی در جهت ایمنی زیستی نیز می‌توان به کنوانسیون ایمنی زیستی جاکارتا (۱۹۹۵ م.) اشاره نمود. همچنین ماده ۸ معاهده بین‌المللی تنوع زیستی، متعهدین را مکلف می‌نماید تا روش‌هایی را ایجاد نمایند که ریسک خطرات ناشی از کاربرد و رهاسازی مواد غذایی دستکاری شده ژنتیکی به دست‌آمده از بیوتکنولوژی را که دارای خطرات احتمالی برای محیط زیست بوده و بر پایداری و حفاظت از تنوع زیستی و سلامت انسان تأثیر می‌گذارند را مدیریت، نظارت و کنترل نمایند و در ۲۹ ژانویه سال ۲۰۰۰ پس از ۷ دور مذاکرات طولانی بین‌المللی در چارچوب اجلاس فوق‌العاده کنفرانس متعهدین کنوانسیون تنوع زیستی، معاهده ایمنی زیستی در مونترال کانادا به تصویب رسید و این موافقت‌نامه بین‌المللی که از آن پس تحت عنوان پروتکل کارتاگنا نامیده شد، تا امروز به امضای ۱۲۱ کشور جهان رسیده است (۳). در این پروتکل که در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز رسیده است، اطمینان از نقل و انتقال بدون مرزی موجودات زنده تغییر شکل‌یافته‌ای که حاصل فناوری‌های جدید هستند و در نظرگرفتن خطراتی که برای سلامت انسان دارند، از جمله اهداف این پروتکل ذکر شده است (۴).

در نظام حقوقی ایران مبنای قانونی فعالیت در زمینه تولید انواع محصولات ژنتیکی و نحوه پیشگیری از مخاطرات احتمالی این امر، قانون ایمنی زیستی است و هدف از تصویب این قانون این است که توسعه بیوتکنولوژی ایمن باشد و با تبیین وظایف هر یک از نهادهای مختلف اجرایی مرتبط کشور با این موضوع از درگیری این نهادها نیز جلوگیری به عمل آید.

قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران که در مرداد ماه سال ۱۳۸۸ به تصویب رسیده است، قانونی است که تا به حال مشابه آن در نظام قضایی ایران هیچ‌گونه سابقه تفنینی نداشته است و برخی، این قانون را خطرناک‌ترین قانون تاریخ ایران نامیده‌اند، به این علت که این قانون، پژوهش، تولید، انبوه‌سازی، تجاری‌سازی، عرضه، مصرف و حتی صادرات محصولاتی را که از نظر ژنتیکی دستکاری شده‌اند، یعنی محصولات تراریخته یا همان موجودات زنده تغییر شکل‌یافته را بدون توجه به آثار و تبعات این اعمال مجاز دانسته است، البته در مقابل، برخی دیگر، تصویب این قانون را نقطه عطفی در بیوتکنولوژی کشور دانسته‌اند.

با توجه این‌که حیطة این قانون به جهت ارائه طرح آن از جانب کمیسیون کشاورزی بیشتر محصولات کشاورزی و دامی تراریخته است و حق ایمنی مصرف‌کنندگان در دسترسی به محصولات ایمن، از جمله حقوق بنیادین آنان است که در زمره حقوق بشری آورده شده است و لزوم صیانت از سلامتی و رفاه شهروندان، حمایت کیفری از این حق را ضروری می‌سازد، فلذا بایستی با تعیین ضمانت اجراهای کیفری متناسب از هر گونه سوء استفاده از کاربرد فناوری زیستی جدید در مورد سلامت انسان و همچنین بر تنوع زیستی، دام، گیاه و محیط زیست جلوگیری به عمل آید. این نوشتار بر آن است که سیاست جنایی تقنینی قانونگذار ایرانی در این حوزه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

مفهوم سیاست جنایی

اصطلاح سیاست جنایی به عنوان یک رشته مطالعاتی علمی، برای نخستین بار توسط دانشمند آلمانی (آنسلم فوئرباخ) در کتاب «حقوق کیفری» او در سال ۱۸۰۳ به کار برده شده است. از نظر این دانشمند، سیاست جنایی، «مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه‌ای است که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم، واکنش نشان می‌دهد» (۶-۵). بعد از این دانشمند، نیز افراد متعددی سیاست جنایی را تعریف نموده‌اند و از جمله مشهورترین و مؤخرترین تعاریف سیاست جنایی می‌توان به تعریف جرم‌شناس مشهور «مری دلماس مارتی» اشاره کرد که مدعی است: «سیاست جنایی شامل کلیه شیوه‌ها و روش‌هایی می‌شود که هیأت اجتماع از طریق آن‌ها پاسخگویی به پدیده جنایی (جرم و انحراف) را سازمان می‌بخشد» (۷). این تعریف همان معنا و مفهوم موسع سیاست جنایی بوده و به مفهوم علمی آن بسیار نزدیک‌تر است. خانم استاد

کریستین لازرژ نیز با الهام از رویکرد خانم استاد دلماس مارتی در کتاب «مدل‌ها و جنبش‌های سیاست جنایی» عنوان سیاست جنایی را در همان معنا و مفهوم موسع به کار برده و تحلیل کرده است (۸) و با قدری مذاقه در مفهوم موسع سیاست جنایی معلوم می‌شود که سیاست جنایی از یکسو، علاوه بر جرم، پاسخ به انحرافات را نیز مد نظر دارد و پاسخ هم ماهیت صرفاً جنبه کیفری ندارد و از سوی دیگر، علاوه بر دولت، جامعه مدنی نیز در پاسخ به پدیده جنایی نقش مستقیم دارد.

سیاست جنایی بخشی از بایگانی تاریخ تفکر ملل و گفتمان پاره‌ای از مسیر نیکوخواهی انسان‌ها را منعکس می‌نماید و می‌توان سیاست جنایی را به کوه یخی تشبیه نمود که با وجود این‌که برنامه‌ها و تدابیر زیادی در جامعه تحت عنوان آن اجرا و معرفی می‌گردد، ولی فقط قله آن مشاهده پذیر می‌باشد و بخش اعظم هیأت و هویت حقیقی آن در اعماق آب‌ها (لایه‌های زیرین اجتماع) پنهان و مستور است. بنابراین می‌توان سیاست جنایی را منطق و بنیاد فکری جامعه در جرم و انحراف ستیزی و تدبیر آن‌ها و نقشه‌ریزی برای انسداد مجاری و بستر تکوین و ریزومیک‌شدن آن با تکیه بر اجزای مختلف و تمامی موجودات اجتماع، اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ، تاریخ و... تفسیر نمود که پاره‌ای از اهداف راستین مردمان طراح گفتمان قرارداد اجتماع را به تفسیر می‌کشد (۹). بر این اساس معلوم می‌شود که سیاست جنایی دارای دو مفهوم می‌باشد: یکی مفهوم مضیق و دیگری مفهوم موسع. مراد از مفهوم مضیق همان تعریف نخستین از سیاست جنایی است که آن را پاسخ کیفرمدار دولت در قبال جرائم می‌دانست، اما منظور از مفهوم موسع سیاست جنایی، دقیقاً همان گفتمان اخیر می‌باشد که در افقی وسیع‌تر، مدلی علمی را برای سیاست جنایی ترسیم نموده و نشان می‌دهد که دیگر جرم در کانون توجه این مفهوم نیست و علاوه بر دولت، جامعه مدنی هم در آن مداخلیت و نقش دارد. بر این اساس، هر گاه مفهوم مضیق سیاست جنایی مطرح می‌شود، مفهوم سیاست کیفری رخ می‌نماید که تجلی بخش گفتمان نظام حقوق کیفری کلاسیک در پاسخ رسمی، دولتی و سرکوبگر و تنبیهی به جرم می‌باشد (۱۰).

مفهوم سیاست جنایی تقنینی

قوانین جزایی، هر کشوری را تعرفه ارزش‌های اساسی آن جامعه می‌دانند که قانونگذار در مقام حمایت کیفری از آن‌ها برمی‌آید و با توجه به این‌که نظام کیفری، هسته مرکزی و اصلی سیاست جنایی در مفهوم موسع و مطلق آن را تشکیل می‌دهد، اهمیت قوانین و مقررات کیفری در سیاست جنایی تقنینی آشکار می‌شود (۱۱).

سیاست جنایی تقنینی به راهبرد یا تفکری جنایی اطلاق می‌گردد که از سوی مصوب اتخاذ شده و در چارچوب یکسری مقررات و انتظامات قانونی مشخص و منصوص تشریح می‌گردد. این قسم از سیاست جنایی عملاً نوع نگرش، قضاوت و برداشت قانونگذار را نمایش می‌دهد که اصولاً در قالب جعل و وضع نصوص قانونی عینیت می‌یابد. در این قسم از سیاست جنایی، اندیشه و منطق مصوب در قبال پدیده جنایی و نهادهای پیرامونی آن رخ می‌نمایند که در آشکارترین بُعد آن با نهاد جرم‌انگاری سروکار پیدا خواهیم کرد. قانونگذاری، مهم‌ترین و حساس‌ترین مرحله از مراحل سیاستگذاری جنایی است که نقاط قوت و ضعف آن در آینده‌ای نه چندان دور تجربیات منفی و مثبت بی‌شماری را رقم خواهد زد که صریحاً بیان رژیم قانونگذاری را روشن خواهد نمود. بر این محمل، توازن و تعادل حضور قدرت‌ها و اجزای مختلف نظام اجتماعی در مرحله قانونگذاری، از شروط مسلم تعالی و توفیق فرایند سیاستگذاری به طور اخص و سیاستگذاری به طور اعم در حال و آینده می‌باشد. وقتی در یک جامعه از سیاست جنایی حاکم بر آن جامعه سراغ می‌گیریم، نمی‌توان از مسائلی چون سطح فرهنگ عمومی جامعه، ویژگی‌های مردم‌شناختی آن، سیاست و دیپلماسی، اقتصاد و... غافل بود، چراکه همین عناصر هستند که محتوای اصلی سیاست جنایی را تشکیل می‌دهند و در هر جامعه‌ای سیاست جنایی اتخاذی، راهبردی را نمایش می‌دهد که ابزارهای اجرایی آن سراسر اجزا و عناصر نظام اجتماعی در سطح کلان می‌باشند و هر سطح از خلأ و نقص در آن‌ها به سرعت با سرایت به سیاست جنایی اتخاذی، آن را نیز به شدت ضعیف و آسیب‌پذیر می‌نماید و با توجه به این‌که گذر زمان خود بهترین صافی برای پالایش محتوای قوانین است، بنابراین بازگذاشتن فضای تجدید نظر در قوانین از سوی مرجع یا مراجع وضع آن‌ها ضرورتی بایسته و اجتناب‌ناپذیر است (۱۲).

تعریف، دوران تکامل و کاربرد زیست فناوری

واژه زیست فناوری (بیوتکنولوژی) نخستین بار در سال ۱۹۱۹ میلادی به مفهوم کاربرد علوم زیستی و اثر متقابل آن‌ها در فناوری‌های ساخت بشر به کار برده شده است و تعریف این فناوری عبارت است از: «کاربرد علم و مهندسی در استفاده مستقیم و یا غیر مستقیم از موجودات زنده یا بخشی از بدن موجودات زنده یا فرآورده‌های آن‌ها به شکل طبیعی یا تغییر یافته آن‌ها» (۱۳).

منظور از فعالیت‌های زیست فناوری هم کلیه اقداماتی است که در ارتباط با فناوری زیستی در قلمروهای پزشکی، دامپزشکی، امور دارویی و غذایی، کشاورزی، صنعت، معدن، محیط زیست، امور دفاعی و... صورت می‌پذیرد و به تولید کالاها یا ارائه خدمات منجر می‌شود. علاوه بر کاربردهای سنتی زیست فناوری، دستیابی به فناوری DNA نو ترکیب و انتقال ژن از یک موجود زنده به دیگری یا به عبارت دیگر مهندسی ژنتیک، ظرفیت بهره‌گیری از این فناوری را به نحو چشم‌گیری افزایش داده است (۱۴).

پیشینه فنی زیست فناوری نشان می‌دهد که از گذشته‌های دور، انسان از فرآیندهای زیستی در بهبود زندگی خود بهره برده است. این بهره‌برداری سنتی در قرون اخیر در ترکیب با فناوری‌های روز در حوزه داروسازی و در دهه‌های اخیر در حوزه مهندسی ژنتیک مورد استفاده قرار گرفته است. تحولات اخیر زیست فناوری، بسیار سریع‌تر از دیگر حوزه‌های فناوری است و چشم‌اندازی پربار را در قری که با نام قرن زیست فناوری شناخته شده، نشان می‌دهد.

این شاخه از علم سه دوره تکامل را تا به حال طی نموده است. دوره اول، دوره قدیمی است که در آن دوره، بشر با استفاده ناخودآگاه از فرآیندهای زیستی به تولید محصولات تخمیری مانند نان، سرکه، مشروبات الکلی و لبنیات و... می‌پرداخت که البته این دوره امروزه هم به نوعی در بین برخی از افراد تداوم دارد؛ دوره دوم، دوره اولیه قرن حاضر است که در این دوره، بشر با استفاده آگاهانه از تکنیک‌های تخمیر، کشت میکروارگانیسم‌ها را در محیط‌های مناسب انجام می‌داد که به آن میکروبیولوژی صنعتی هم می‌گویند؛ دوره سوم که از سال ۱۹۷۶ آغاز گردیده است، دوره نوین زیست فناوری است، دوره‌ای که با کمک علم ژنتیک درصدد ایجاد تحول در زندگی بشر است (۱۵) و همین دوره هم مورد بحث ما است و در قانون ایمنی زیستی هم مسائل و مصادیق مربوط به همین دوره مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است.

زیست‌فناوری در حوزه‌های مختلفی همچون محیط زیست، پزشکی، داروسازی، صنایع غذایی، کشاورزی، دامپروری، صنعت و معدن و... مورد استفاده است. از مهم‌ترین کاربردهای زیست‌فناوری در پزشکی می‌توان به ژن درمانی، انواع تشخیص طبی، واکسن‌های نو ترکیب اشاره کرد. بهره‌گیری از زیست‌فناوری، امکان درمان بیماری‌ها را افزایش داده و عملکرد اختصاصی عوامل تشخیصی را نیز بهبود بخشیده است و نیز در عصر حاضر استفاده از فرآورده‌های دارویی که به کمک زیست‌فناوری تولید می‌شوند، در پیشگیری، تشخیص و درمان بیماری‌ها، روند رو به رشدی را طی می‌کند.

ضمناً افزایش بی‌رویه جمعیت و نیاز به تأمین مواد غذایی در قرن حاضر باعث شده که در زمینه علوم کشاورزی و مواد غذایی شاهد یک گذر جدی و اجتناب‌ناپذیر از کشاورزی سنتی به کشاورزی پیشرفته و کاربست روش‌های نوین زیست‌فناوری در تولید محصولات زراعی و دامی باشیم به نحوی که امروزه روش‌های زیست‌فناوری در علوم گیاهی و دامی برای افزایش محصولات گیاهی و تولید گونه‌های جدید گیاهی دستکاری شده و اصلاح نژاد حیوانات (دام، طیور و آبزیان) کاربرد دارد. این علم حتی در امور قضایی هم کاربرد دارد. به عنوان مثال در آزمایش یا همان انگشت‌نگاری DNA که روشی دقیق‌تر از دیگر روش‌ها برای تشخیص هویت و شناسایی مجرمین است، از این علم استفاده می‌شود.

عناوین مجرمانه احصایی در قانون ایمنی زیستی

صرف نظر از این‌که حیطه این قانون با توجه به ارائه طرح آن از جانب کمیسیون کشاورزی مجلس بیشتر محصولات کشاورزی و دامی است و به کارکردهای دیگر زیست‌فناوری همانند شبیه‌سازی انسانی، تروریسم زیستی، انرژی زیستی و سایر مسائل مرتبط پرداخته نشده است، در این قانون جنبه‌های حقوقی زیست‌فناوری هم به خوبی مورد تبیین نگرفته است. از نظر حمایت کیفری هم قانونگذار صرفاً در ماده ۶ قانون ایمنی زیستی به طور کلی اقدام به جرم‌انگاری برخی از افعال یا ترک افعال مقرر در سایر مواد این قانون نموده است و در حالت کلی با تدقیق در قانون مورد مطالعه، عناوین مجرمانه ذیل‌الذکر احصا می‌گردد:

۱- هر گونه سوء استفاده از کاربرد فناوری زیستی جدید و ایمنی زیستی بر تنوع زیستی،

سلامت انسان، دام، گیاه و محیط زیست؛

- ۲- انجام هر یک از امور مربوط به تولید، رهاسازی، نقل و انتقال درون مرزی و برون مرزی، صادرات، واردات، عرضه، خرید، فروش، مصرف و استفاده از موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی بدون رعایت مفاد قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۳- رهاسازی موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی بدون انجام آزمایشات میدانی و تهیه شناسنامه موجود زنده؛
- ۴- رهاسازی موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی بدون رعایت مفاد بند «ج» ماده ۴ این قانون (بدون بررسی و ارزیابی مخاطرات زیست محیطی بر مبنای مستندات علمی ارائه شده توسط متقاضی)؛
- ۵- رهاسازی موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی بدون اخذ مجوز از دستگاه‌های ذیصلاح پیش‌بینی شده در این قانون؛
- ۶- عدم رعایت شرایط مندرج در بندهای سه‌گانه ماده ۷ این قانون از جانب کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که قصد واردات، صادرات و یا حمل و نقل داخلی و فرامرزی موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی موضوع این قانون را دارند؛
- ۷- افشا و یا بهره‌برداری غیر مجاز از نتایج حاصل از پژوهش‌ها و موجودات زنده تغییر شکل یافته از جانب هر یک از اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیر دولتی.
- البته لازم به ذکر است که جرم اخیرالذکر عیناً در قانون مورد مطالعه احصا نگردیده است، ولی با توجه به این که اطلاعات و فعالیت‌های اشخاص حقیقی و حقوقی متقاضی دریافت مجوز و یا دارای مجوز از دستگاه‌های اجرایی ذیصلاح به جز در موارد مذکور در بندهای چهارگانه ماده ۸ این قانون محرمانه بوده و مشمول قانون مالکیت معنوی می‌باشد، فلذا وفق قسمت اخیر این ماده، هر گونه افشا و یا بهره‌برداری غیر مجاز از نتایج حاصل از پژوهش‌ها و موجودات زنده تغییر شکل یافته، جرم بوده و مرتکب بر اساس رأی مرجع صلاحیت‌دار قضایی به جبران ضرر و زیان وارده محکوم می‌شود.
- ضمناً وفق نص صریح ماده ۱۰ قانون مال‌الذکر، پژوهش‌های آزمایشگاهی و گلخانه‌ای موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی و امور مربوط به دارو و فرآورده‌های مرتبط که مصارف انسانی دارند، از شمول مفاد این قانون مستثنی است (۱۶).

مجازات مرتکبین

در مورد هر یک از جرائم مندرج در این قانون، وفق ماده ۶ آن، هر یک از دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح که در مورد اقدامات اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در زمینه فناوری زیستی جدید تخطی از مفاد این قانون مشاهده نمایند، مکلفند ضمن تعلیق موقت مجوز شخصی خاصی، مراتب را برای رسیدگی به مرجع ذی‌صلاح قضایی ارجاع نمایند.

پس از ارجاع پرونده از جانب دستگاه‌های اجرایی، مرجع قضایی هم مؤظف است که این پرونده‌ها را در فرصت ویژه و یا فوق‌العاده رسیدگی نماید و در صورت تأیید تخلفات توسط مرجع قضایی، اگر تخلف، موجبات تضییع حقوق سایر اشخاص را فراهم نموده یا خساراتی را به سایر اشخاص و یا زیست‌بوم وارده نموده باشد، شخص متخلف به جبران خسارات وارده محکوم شده و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر جبران خسارت، به پرداخت دو برابر خسارت وارده به عنوان جزای نقدی محکوم می‌شود. کلیه مجوزهای صادره قبلی هم باطل شده و از فعالیت‌های اجرایی وی ممانعت به عمل می‌آید.

سیاست جنایی تقنینی حاکم بر قانون ایمنی زیستی

اصولاً سیاست جنایی بایستی همچون آینه، ارزش‌های حقیقی جامعه را منعکس نماید. در غیر این صورت، جز خاصیت جرم‌زایی و زدودن اهمیت اخلاقی رفتار از اذهان عمومی، ارمغان دیگری برای جامعه نخواهد داشت (۱۷) و تحقق اهداف و آرمان‌های نظام عدالت کیفری، متضمن تدوین و بهره‌مندی از یک سیاست جنایی روشن‌مند و هدف‌گرا در مبارزه علیه پدیده بزه‌کاری با قابلیت پیشگیری از جرم، بازدارندگی عام و خاص، اصلاح و جامعه‌پذیری مجدد بزه‌کاران است (۱۸)، هرچند که متأسفانه جرائم علیه ایمنی زیستی فاقد چنین سیاست تقنینی می‌باشد، ولی با تدقیق در قانون ایمنی زیستی، سیاست جنایی مستتر در این قانون را می‌توان از چند منظر مورد واکاوی قرار داد. نخستین مؤلفه‌ای که شایسته تأمل است، این مورد می‌باشد که قانونگذار در مقام جرم‌انگاری، اصل را بر مطلق‌بودن جرائم ایمنی زیستی ننهاد و تحقق جرم را ضرورتاً منوط به ورود خسارت نموده است و در واقع قانونگذار، جرائم ارتكابی در حوزه ایمنی زیستی را جرائمی مقید و بالفعل دانسته است و سزاوار نیست که قانونگذار پاسخ کیفری به مرتکبینی که در مفهومی موسع، حق بر سلامت انسان‌ها را به مخاطره جدی می‌افکنند،

مقید به ورود ضرر نماید. به سخن بهتر، قانونگذار نباید برای اتخاذ واکنش کیفری در قبال بزه‌کارانی که ایمنی زیستی را آماج جرم خود قرار داده‌اند، منتظر باشد در عالم خارج ضرورتاً ایراد ضرری رخ دهد، بلکه واکنش کیفری مناسب ایجاب می‌کند که نفس ارتکاب افعال یا ترک فعل‌هایی که ناقض یکی از الزامات ایمنی زیستی است، جرم‌انگاری شده و با پاسخ کیفری مواجه شود و این در حالی است که به موجب ماده ۶ قانون ایمنی زیستی، پاسخ کیفری موکول به ورود خسارت گردیده و قانونگذار، جرائم ایمنی زیستی را به صورت مقید مقرر نموده است و متأسفانه، قانونگذار به اثر پیشگیرانه جرم‌انگاری به صورت مطلق بی‌توجهی نموده و امکان اتخاذ و اعمال هر گونه پاسخ کیفری را صرفاً در فرضی فراهم نموده که خسارتی وارده شده باشد. بدین‌سان قانون ایمنی زیستی مبدل به نوش دارویی شده است که بسیار دیر هنگام قابلیت اجرایی پیدا می‌کند و به خاطر همین سیاست نادر قانونگذار است که چه بسا بخش عمده‌ای از خساراتی که متعاقب جرائم ایمنی زیستی بر زیست بوم یا افراد وارد می‌شود، جبران‌ناپذیر بوده یا دست کم ترمیم آن‌ها بسیار دشوار می‌باشد.

مورد دیگری که در قانون ایمنی زیستی نادیده انگاشته شده است و به نظر می‌رسد در تاریخ قانونگذاری ایران بی‌سابقه است، فراز دیگری از ماده ۶ این قانون می‌باشد که بر اساس آن ارتکاب جرائم علیه ایمنی زیستی در مرتبه نخست فاقد وصف مجرمانه دانسته شده و شگفت‌آور آن است که قانونگذار همان رفتار را در مرتبه دوم، جرم‌انگاری نموده است. مگر ممکن است که رفتاری در مرتبه نخست، جرم نبوده، ولی همان رفتار در صورت تکرار، جرم محسوب شود؟ افزون بر این، قانونگذار در قانون ایمنی زیستی حتی این پاسخ کیفری دیر هنگام و در مرتبه دوم را نیز صرفاً محدود به جزای نقدی نموده است. آیا مجازات جزای نقدی برای جرائم ایمنی زیستی که در شدت آثار زیان بار آن‌ها کم‌ترین تردیدی وجود ندارد، مجازاتی متناسب با اهمیت این جرائم است؟ آیا مجازات نقدی می‌تواند مجرمین را از ارتکاب جرم در حوزه ایمنی زیستی منصرف گرداند؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش‌ها منفی است و مجازات جزای نقدی نه مجازاتی متناسب و نه مجازاتی دارای اثر بازدارنده و ارعاب‌آور برای مرتکبین جرائم ایمنی زیستی است و با وجود چنین مجازات خفیفی، تکرار جرائم ایمنی زیستی و افزایش نرخ این جرائم، دور از انتظار نخواهد بود (۱۹).

هرچند که یکی از اقدامات شایسته و درخور توجه در سیاست جنایی قانونگذار ایرانی در قانون ایمنی زیستی پیش‌بینی مسؤولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است و وفق ماده ۶ این قانون، جرائم ایمنی زیستی که در مرتبه دوم جرم‌انگاری شده‌اند را می‌توان به اشخاص حقوقی فعال در زمینه فناوری زیستی نیز منتسب نمود و مجازات مقرر در این قانون را نسبت به آن اشخاص نیز اعمال کرد، ولی نکته قابل تأمل آن است که چنانچه یک شخص حقوقی مفاد بند «ب» ماده ۷ قانون ایمنی زیستی را نقض نموده و شرایط بسته‌بندی و برچسب‌گذاری را رعایت نکند، باز هم به سبب ضرورت جمع بین مواد ۶ و ۷ این قانون نمی‌توان با شخص حقوقی برخورد کیفری نمود و وی را مجازت کرد، زیرا هنوز باید وفق ماده ۶ در انتظار ورود خسارت ناشی از این رفتار ناقض قانون بود و تا زمانی که ورود خسارت محقق نشود، امکان تعقیب و مجازات شخص حقوقی متخلف وجود ندارد.

به طور کلی قانون ایمنی زیستی، قانون ضعیفی است و قانونی هم که بر مبنای ضعیفی وضع شود، عمر درازی نخواهد داشت و به تعبیر برخی از اندیشمندان، سیاست جنایی را دچار سرگردانی و گم‌گشتگی می‌کند (۲۰).

با توجه به مباحث فوق‌الذکر چند سؤال متبادر به ذهن نگارنده است که به نظر می‌رسد جواب این سؤالات می‌تواند مبین سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرائم علیه ایمنی زیستی باشد. سؤال اول این است که، رویکرد غالب سیاست جنایی ایران در مورد جرائم علیه ایمنی زیستی مبتنی بر تدابیر پیشگیرانه است یا سرکوبگرانه؟

با توجه به نحوه قانونگذاری در خصوص جرائم مورد بحث، سیاست جنایی ایران مبتنی بر هیچ یک از تدابیر پیشگیرانه و سرکوبگرانه نمی‌باشد.

سؤال دوم این است که آموزه‌های جرم‌شناسی و ابزارهای نوین سیاست جنایی در خصوص جرائم علیه ایمنی زیستی در ایران چه جایگاهی دارد؟

هرچند که به نظر می‌رسد که اتخاذ رویکرد ترمیمی و تعیین مجازات جزای نقدی برای مرتکبین این‌گونه جرائم، در راستای به کارگیری این آموزه‌ها و ابزارها بوده است، ولی این رویکرد قانونگذار با توجه به تعمیم آن به تمامی جرائم مذکور در قانون مورد مطالعه و عدم توجه به شدت و حدت جرائم، فاقد بازدارندگی عام و خاص بوده و هیچ تناسبی با اصل فردی کردن مجازات‌ها ندارد.

سؤال سوم این است که، آیا به سیاست جنایی مشارکتی در مورد جرائم علیه ایمنی زیستی در ایران توجهی شده است؟

با توجه به این که به طور کلی در سیاست جنایی ایران هیچ گونه برنامه ریزی جامع و مشخصی جهت استفاده از ظرفیت نهادهای مدنی در جهت پیشبرد این سیاست وجود ندارد، فلذا توجه زیادی به سیاست جنایی مشارکتی نشده است (۲۱). در رابطه با جرائم مبحوث عنه هم همین رویه دنبال شده است و صرفاً وفق ماده ۶ قانون ایمنی زیستی که بر اساس آن قانونگذار در قبال جرائم مذکور، اعلام جرم و ارجاع مراتب رسیدگی قضایی به مرجع ذیصلاح قضایی و تعلیق موقت مجوز شخص خاطی را بر عهده هر یک از دستگاه‌های اجرایی ذیصلاح گذاشته است، به نظر می‌رسد که قانونگذار با این حکم قانونی، به صورت خواسته یا ناخواسته درصدد اجرای سیاست جنایی مشارکتی است، ولی متأسفانه این تکلیف قانونی هم، صبغه آمره نداشته و بیشتر یک مقررہ ارشادی است، زیرا برای این ترک وظیفه قانونی دستگاه‌های اجرایی، هیچ گونه ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی نشده است.

سؤال چهارم این است که، سیاست جنایی ایران در زمینه جرائم علیه ایمنی زیستی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

سیاست جنایی مستتر در این زمینه متفاوت از ویژگی‌های سیاست جنایی اتخاذشده در قبال سایر پدیده‌های مجرمانه است و در این مورد می‌توان نوعی سیاست جنایی افتراقی را ملاحظه کرد. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

- ۱- جرم‌نبودن عمل مرتکبین در مرتبه اول؛
- ۲- خفیف‌بودن واکنش کیفری این دسته از جرائم نسبت به اکثر جرائم دیگر؛
- ۳- منحصربودن مجازات به جزای نقدی؛
- ۴- مؤظف‌شدن مراجع قضایی به رسیدگی پس از ارجاع پرونده از جانب دستگاه‌های اجرایی.

ایرادات و اشکالات موجود در قانون ایمنی زیستی

هرچند قانونگذار با تقنین ماده ۶ قانون مورد بحث در واقع، به نوعی موضوعات ایمنی زیستی را مورد حمایت کیفری قرار داده است، ولی با تدقیق در این ماده قانونی و سایر مواد این قانون، ایرادات و اشکالات ذیل متبادر به ذهن می‌باشد:

- ۱- این قانون با این‌که عنوانش «ایمنی زیستی» است، ولی بیشتر قانون «ایمنی زیست فناوری» می‌باشد، زیرا به جای این‌که در این قانون، مسائل ایمنی برای مصرف‌کنندگان این‌گونه محصولات رعایت شود، دقیقاً این قانون، حاشیه امنیتی است برای کسانی که این محصولات را تولید و در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند؛
- ۲- برای متخلفین از مفاد این قانون در مرتبه اول هیچ‌گونه ضمانت اجرایی کیفری پیش‌بینی نشده است و متخلف فقط به جبران خسارت محکوم می‌شود که آن هم جنبه مدنی دارد و صرفاً در صورت تکرار جرم، در بار دوم، متخلف به مجازات مقرر در ماده ۶ این قانون (جزای نقدی) محکوم می‌شود؛
- ۳- قانونگذار در قبال همه جرائم متعین در این قانون یک واکنش یکسان و مشابه که همان جزای نقدی است، پیش‌بینی نموده است که این مجازات هم صرفاً در صورت تکرار تخلف، قابلیت اجرا پیدا می‌کند و در واقع اصل لزوم تناسب مجازات با ماهیت و شدت جرائم در این قانون رعایت نشده و محتوم است که همین امر نه تنها عاملی پیشگیرانه نخواهد بود، بلکه خود عاملی جرم‌زاست که میزان خطر ناشی از تکرار جرائم ایمنی زیستی را افزایش می‌دهد؛
- ۴- مقنن بین اقدامات مجرمانه پیش‌بینی شده در این قانون هیچ تفاوتی قائل نشده و به صنفی یا غیر صنفی بودن آن‌ها و به تفاوت موجود بین اقدامات مربوط به استحاله ژنتیکی که بالقوه می‌توانند موجبات اضرار غیر را فراهم آورده و سایر اقدامات توجهی ننموده است و برای تمامی آن‌ها یک نوع مجازات تعیین نموده است؛
- ۵- قانون مورد مطالعه در خصوص مواردی که احیاناً مصرف محصولات تراریخته (ترانس ژنتیک) منجر به مرگ کسی می‌گردد، سکوت اختیار نموده و هیچ‌گونه حکم قانونی در این مورد ذکر ننموده است و این‌که آیا در این‌گونه موارد می‌توان حکم بر قصاص مرتکب صادر نمود یا نه؟ جای بحث می‌باشد؛
- ۶- مجازات‌های متعین در این قانون برای متخلفین فاقد بازدارندگی لازم است و مطمئناً همین ضعف قانونی موجبات سوء استفاده‌های متعدد و مکرر و در نتیجه تعدد و تکرار جرم را فراهم خواهد آورد؛
- ۷- در صورت تکرار تخلف در بار دوم، هر چند به غیر از مجازات جزای نقدی، وفق ماده ۶ قانون ایمنی زیستی، مجوزهای صادره قبلی باطل و از فعالیت‌های اجرایی مرتکب ممانعت به

عمل می‌آید، ولی این قبیل اقدامات، اگرچه در مورد اشخاص حقوقی ضمانت اجرایی مؤثری هستند، ولی در مورد اشخاص حقیقی مؤثر در مقام نیستند؛

۸- قانونگذار اعلام نموده که شخص متخلف به جبران خسارت محکوم می‌شود و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر جبران خسارت، به پرداخت دو برابر خسارت وارده به عنوان جزای نقدی محکوم می‌شود. مشکلی که در این حکم قانونگذار مشهود است این امر می‌باشد که در استفاده از محصولات تراریخته، خسارت معلوم نیست و ممکن است سال‌ها بعد مشخص شود. در ضمن مگر برای سلامتی شهروندان می‌توان به راحتی قیمتی تعیین کرد که مرتکبین باید دو برابر آن را به عنوان خسارت بپردازند. محصولی که ممکن است، سرطان، انواع اختلالات ژنتیک، مشکلات حاد تنفسی، آلرژی‌ها و بسیاری از عوارض ناشناخته دیگری را ایجاد کند، چگونه می‌توان اندازه‌اش و تا دو برابرش را تعیین کرد تا به عنوان خسارت پرداخت شود؟

۹- هرچند در ماده ۶ مواردی به قانون مالکیت معنوی احاله شده، ولی با توجه به عدم تصریح قانونی و با عنایت به تفاسیر مضیق و به نفع متهم به نظر می‌رسد که امکان تعمیم مجازات‌های مندرج در این قانون نسبت به متخلفین و در نتیجه امکان اعمال این مجازات‌ها نسبت به آن‌ها فاقد توجیه مستدل قانونی است؛

۱۰- با وجود این‌که وفق ماده ۶ اعلام جرم و ارجاع مراتب رسیدگی قضایی به مرجع ذی‌صلاح و تعلیق موقت مجوز شخص خاطی بر عهده هر یک از دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح گذاشته شده است و به نظر می‌رسد که وجود چنین مقرره‌ای از نقاط قوت این قانون است، ولی متأسفانه این تکلیف قانونی، صبغه آمره نداشته و بیشتر یک مقرره ارشادی است، زیرا برای این ترک وظیفه قانونی دستگاه‌های اجرایی، هیچ‌گونه ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است. بنابراین ضرورت دارد که همانند ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی که مطابق آن برای عدم اعلام وقوع جرائمی مانند ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری و... از جانب رؤسا یا مدیران و یا مسؤولین سازمان‌ها و مؤسسات در ادارات تحت اداره یا نظارت خود مجازات تعیین نموده است، در این مورد نیز چنین ضمانت اجرایی پیش‌بینی شود؛

۱۱- اقدامات کنشی در حوزه زیست‌فناوری مغفول مانده است و این در حالی است که در مورد سیاست جنایی حاکم بر ایمنی زیستی و سایر عرصه‌ها نایستی صرفاً به ضمانت اجراهای کیفری بسنده کرد، مگر نه این است که سیاست جنایی برای کنترل جرم و انحراف از

سازوکارهای غیر کیفری (مانند سازوکار اداری، مدنی و...) و جرم‌شناختی (سازوکار پیشگیری اجتماعی، وضعی، فنی و...) نیز برخوردار است؟ (۲۲)

نتیجه‌گیری

سیاست جنایی ایران در حوزه زیست‌فناوری هرچند از نوآوری‌ها و مزایایی مثل بهره‌گیری از اسناد بین‌المللی موجود در این عرصه، تعیین مسؤلیت کیفری برای اشخاص حقوقی و بر عهده هر یک از دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح‌گذاشتن اعلام جرم و ارجاع مراتب رسیدگی قضایی به مرجع ذی‌صلاح و تعلیق موقت مجوز شخص خاطی بر اساس قانون ایمنی زیستی برخوردار است، ولی به طور کلی سیاست جنایی متخذه قانونگذار در این حوزه فاقد تسامح و تساهل نیست، زیرا:

- ۱- با وجود این‌که فرهنگ‌سازی، علمی‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مدل جنگ و واکنش در برابر بحران پدیده جنایی است، ولی متأسفانه با وجود لزوم فرهنگ‌سازی در حوزه زیست‌فناوری، در کشور ما در این خصوص هیچ‌گونه اقدام ملموسی به عمل نیامده است؛
- ۲- به دلیل تنوع جوامع بشری از نظر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اخلاقی و مانند آن، هر جامعه‌ای بایستی متناسب با وضعیت خاص آن جامعه اقدام به تدوین و به کارگیری سیاست جنایی نماید، ولی در حوزه ایمنی زیستی، گرایش فزاینده مصوب ایرانی به الگوبرداری از اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی و ارجاع مکرر قانونگذار به پروتکل کارتاها‌نا به عنوان سندی مرجع در این حوزه، به صورت کاملاً افراطی انجام شده است؛
- ۳- با وجود این‌که برای مهار پدیده بزه‌کاری در حوزه زیست‌فناوری و سایر حوزه‌ها، سیاست جنایی مشارکتی بسیار می‌تواند کارآمد و مؤثر باشد و در این راستا بایستی مشارکت عمومی برای نظم‌پذیری و احترام به قانون مصوب و جلوگیری از ارتکاب جرم و اصلاح مجرم و... جلب گردد و باید این مهم که پیشگیری و مبارزه با جرم، رسالتی همگانی، عمومی، فراقوه‌ای، حاکمیتی و مرتبط با تمام نهادهای دولتی، عمومی، مدنی و مردمی است، در جامعه نهادینه شود (۲۳)، ولی قانون ایمنی زیستی فاقد چنین سیاست و رسالتی می‌باشد؛
- ۴- همان‌گونه که سیاست جنایی تقنینی ایران به طور کلی فرآیند یکسان و یکنواختی ندارد و اکثراً دچار نوعی بی‌نظمی، انحراف و عدم انسجام است. در حوزه زیست‌فناوری هم این

ناکارآمدی مشهود است و با وجود آثار و نتایج زیان‌بار سوء استفاده از هر یک از عرصه‌های زیست‌فناوری، تعیین مجازات جزای نقدی برای تمامی مرتکبان جرائم علیه ایمنی زیستی آن هم در صورت تکرار جرم و ورود خسارت به بزه‌دیده، به هیچ وجه مناسب نیست و بدون تردید سیاست جنایی فعلی ایران در مورد موضوع مورد مطالعه، خود به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، عامل تبه‌کاری و افزایش جرم در این حوزه است و مسلماً تساهل و تسامح در نوع مجازات و اعمال واکنش نامناسب در قبال بزه‌کاران باعث می‌شود که ویژگی‌های بازدارندگی از قانون ایمنی زیستی رخت بر بسته و تالی فاسد آن چیزی جز تجری مرتکبین و سلب اعتماد شهروندان و نارضایتی آنان از عملکرد دستگاه قضا و مجریان عدالت نخواهد بود.

با توجه به مطالبی که ذکر شد، بازنگری در سیاست جنایی تقنینی در حوزه زیست‌فناوری امری ضروری به نظر می‌رسد و پیشنهادهای بدین شرح می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- فرهنگ‌سازی و ترویج احترام به قانون و اصول اخلاق حرفه‌ای در حوزه زیست‌فناوری؛
- ۲- ایجاد یک مرکز ملی فراقوه‌ای زیست‌فناوری با حضور اندیشمندان، اساتید و صاحب‌نظران علوم جنایی و زیست‌فناوری با هدف نیازسنجی و پیامدسنجی و پیشنهاد راه‌کارهایی واقع‌گرایانه بر حسب مطالعات علمی و منطبق با واقعیت‌های فرهنگی، ملی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی جامعه ایرانی به واضعان سیاست جنایی در حوزه زیست‌فناوری و جهت اعمال حاکمیت و نظارت بر اعمال متصدیان این امر؛
- ۳- استفاده از تجارب و مطالعات و قوانین کشورهای دیگر و استفاده از نقاط قوت قوانین آن‌ها و نه تقلید و تبعیت صرف جهت اتخاذ سیاست جنایی صحیح و کارآمد در حوزه زیست‌فناوری؛
- ۴- هرچند که از مجموعه اصول قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام، لزوم توسعه و استفاده از فناوری‌های زیستی استنباط می‌گردد، ولی تکمیل و به روزرسانی سیاست‌های کلی جهت پوشش کامل مسائل ملی در حوزه زیست‌فناوری ضروری است؛
- ۵- توجه جدی به تمامی چالش‌های و جوانب حقوقی زیست‌فناوری و تنظیم قوانین متناسب در این حوزه جهت تسریع در روند رشد فناوری زیستی در کشور؛
- ۶- آسیب‌شناسی مقررات کیفری پیش‌بینی‌شده در قانون ایمنی زیستی و تدوین و تصویب سیاست جنایی مؤثر و کارآمد در این خصوص با جلب نظر اساتید و صاحب‌نظران عرصه علوم جنایی در اسرع وقت؛

- ۷- استفاده از اقدامات کنشی جهت مبارزه با جرائم زیست‌فناورانه بایستی مورد توجه کافی و وافی قرار گیرد و از جمله این اقدامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
- پیش‌بینی و تدوین نظام جامع اطلاع‌رسانی در مورد زیست‌فناوری و به رسمیت‌شناختن حق دسترسی جامعه به اطلاعات مرتبط با تصمیمات زیست‌فناوری؛
 - آموزش عمومی و ارتقای سطح آگاهی مردم در این عرصه؛
 - آموزش تخصصی قوانین و مقررات به فعالان حوزه زیست‌فناوری؛
 - جلب مشارکت مدنی و بخش خصوصی جهت انجام اقدامات کنشی و غیر کیفری در راستای پیشگیری از وقوع جرائم زیست‌فناورانه؛
 - حمایت از گزارش‌دهی عمومی در این حوزه؛
 - تقویت تشکیلات صنفی در بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعتی و...؛
 - نظارت مستمر و مداوم وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت جهاد کشاورزی و سایر نهادهای متولی بر فعالیتهای زیست‌فناوری و اعلام جرم به مراجع ذی‌صلاح قضایی در موارد مقرر قانونی؛
 - افزایش همکاری‌های متقابل بین‌المللی و منطقه‌ای در ارتباط با موضوع پیشگیری و مقابله با جرائم زیست‌فناورانه با توجه به فراملی بودن دامنه آثار این جرائم؛
 - اعمال ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجاری، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها و شرکت‌های تجاری و تعاونی‌ها و بخشی از امور مانند آن در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت، متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای در حوزه زیست‌فناوری باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و نظم عمومی باشد.
- ۸- در راستای اعمال پاسخ‌های واکنشی مناسب در مورد مجرمین جرائم علیه ایمنی زیستی هم بایستی موارد ذیل مورد توجه قرار گیرد:
- تفکیک جرائم صنفی این حوزه مثل خرید و فروش و تولید موجودات زنده تغییر شکل‌یافته ژنتیکی از جرائم غیر صنفی مثل رهاسازی، نقل و انتقال درون‌مرزی و برون‌مرزی چنین موجوداتی بدون رعایت مفاد قانون ایمنی زیستی و تعیین مجازات متناسب برای هر یک از آنها؛

- تدرج جرائم ارتكابی در این حوزه و توسعه سیاست تنوع ضمانت اجرای کیفری و بازگذاشتن دست قضات در تعیین نوع واکنش مناسب در مورد مرتکبین هر دسته از این جرائم؛
- استفاده از مجازات‌های اصلی مؤثر و بازدارنده دیگری مثل مصادره اموال، انحلال شخص حقوقی، حبس و... علاوه بر جزای نقدی متعین در قانون ایمنی زیستی؛
- اعمال مجازات‌های تکمیلی در مورد مرتکبین این‌گونه جرائم؛
- عدم امکان اعمال مقررات عمومی تعدد جرم و تکرار جرم و معاذیر معاف‌کننده و تخفیف دهنده مجازات‌ها در مورد مرتکبین جرائم زیست‌فناورانه؛
- عدم شمول مرور زمان کیفری نسبت به مجازات‌های مقرر در این حوزه؛
- انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه ملی و یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار؛
- جرم‌انگاری و پیش‌بینی مجازات برای رؤسا یا مدیران دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح که به وظیفه قانونی خود مبنی بر اعلام جرائم زیست‌فناورانه و ارجاع مراتب رسیدگی قضایی به مرجع ذی‌صلاح قضایی و تعلیق موقت مجوز شخص خاطی اقدام نمی‌نمایند.
- ۹- صرف برچسب‌گذاری اجباری محصولات تراریخته که فقط یک روش اطلاع‌رسانی محسوب می‌شود، به تنهایی روش مناسبی جهت حذف خطرات احتمالی برای سلامت انسان و محیط زیست نیست و بایستی ضمانت اجرای کیفری مناسبی نیز در این راستا تدوین گردد.

References

1. Dadgar Y. Production and Labeling transgenic and Bioethics harvests, the articles series on law and ethics in biotechnology. Tehran: Hoghooghi Press; 2013. p.299-300. [Persian]
2. Abbasi M, Kazemi A. Transgenic foodstuffs and consumer law. Quarterly Journal of Ethic in Sciences and Technology 2008; 3(3-4): 47-55. [Persian]
3. Mazaheri Asadi M, Khani J. Ethic and safety in Modern Biotechnology. Quarterly Journal of Ethic in Sciences and Technology 2009; 3(3-4): 71-76. [Persian]
4. Hoseini M. Labeling of transgenic Harvests and Protection of consumers Law, the Articles series on law and ethics in biotechnology. Tehran: Hoghooghi Press; 2013. p.336-337. [Persian]
5. Lazerges C. Introduction to criminal policy. Translated by Najafi Abrandabadi AH. 4th ed. Tehran: Mizan Press; 2013. p.11. [Persian]
6. Lazerges C. Criminal policy. Translated by Najafi Abrandabadi AH. 4th ed. Tehran: Mizan Press; 2013. p.398. [Persian]
7. Tavajohi A. Criminal Policy of Protection from victims. Journal of Qom University 1999; 4: 29. [Persian]
8. Lazerges C. Introduction to Criminal Policy. Translated by Najafi Abrandabadi AH. 4th ed. Tehran: Mizan Press; 2013. p.40. [Persian]
9. Konani S, Ansari J, Mondani A. Criminal Policy. Tehran: Majd Press; 2012. p.28. [Persian]
10. Matindaftari A. Criminal policy. 1st ed. Tehran: Bar Association; 1937. [Persian]
11. Kalantari K. Analysis of crisis in Iranian criminal law. Tarbiyat Modares University; 2002. p.37. [Persian]
12. Konani S, Ansari J, Mondani A. Criminal Policy. Tehran: Majd Press; 2012. p.50. [Persian]
13. Sanati M. Biotechnology, Human Problems Solver in 21 Century. Tehran: National Center of biotechnology Scholarisms and Biological Technology Press; 2001. p.4. [Persian]

14. Abbasi M. The Articles series on law and ethics in biotechnology. Tehran: Hoghooghi Press; 2013. p.14-18. [Persian]
15. Zarrokh E. From biosafety Act until comprehensive law biotechnology. Newsletter of Esfahan bar Association 2009; 39: 44. [Persian]
16. Asghari A, Abbasi M. Complete Series of biotechnology Law Practical. 1st ed. Tehran: Hoghooghi Press; 2014. p.604-608. [Persian]
17. Afrasiyabi M. Penal Law General. Tehran: Ferdosi Press; 1998. Vol.2 p.197. [Persian]
18. Najafi Tavana A. Conflict and obstruction in Iranian Criminal policy. Quarterly Journal of Legal researches Azad 2007; 1: 223. [Persian]
19. Samavati Pirouz A. Analysis and criticism of Iranian biosafety Act (2009) with a focus on approaches of criminal law, the articles series on law and ethics in biotechnology. Tehran: Hoghooghi Press; 2013. p.185-200. [Persian]
20. Norbaha R. View of penal Code. 1st ed. Tehran: Dadghostar Press; 1998. p.126. [Persian]
21. Tavakoli K. Answers of Iranian Criminal Policy about Custom Smuggle offences. Tehran: Khorsandi Press; 2013. p.128. [Persian]
22. Rahami M. Victimless offences. 2nd ed. Tehran: Mizan Press; 2010. p.128. [Persian]
23. Najafi Tavana A. Criminology. 16th ed Tehran: Sanjesh and Amozesh Press; 2013. p.72. [Persian]